

تویوتا؛ شهر هوشمند که فقط کارخانه خودرو نیست

گزارشی میدانی از محل تمرین تیم ملی امید ایران در ژاپن و پیاده‌روی ۴۰ دقیقه‌ای در شهری آینده‌نگرانه آرام و متفاوت به نام تویوتا

محمدرضا ناصری نژاد | خبرنگار اعزامی به ناگويا

وقتی نام «تویوتا» را می‌شنویم، احتمالاً اولین چیزی که به ذهنمان می‌رسد خودرو و کارخانه است؛ شهری که نامش با یکی از شناخته‌شده‌ترین برندهای خودروسازی جهان گره خورده است. برای ما هم سفر به تویوتا در ابتدا با همین تصویر همراه بود؛ سفری برای پوشش تمرین تیم ملی امید ایران در ژاپن که البته با شکست سنگین برابر کره شمالی و حذف از مرحله گروهی سرانجام تلخی داشت. در عوض چیزی که در پایان روز از تویوتا در ذهنمان ماند، بیشتر از کارخانه‌ها و خودروها بود. چند ساعت حضور در کمپ تمرینی تیم ملی و بعد یک پیاده‌روی حدود دو کیلومتری در محله اطراف کمپ، فرصتی شد تا چهره‌ای دیگر از این شهر را ببینیم؛ محله‌ای آرام با خیابان‌های باریک و خلوت، خانه‌های دوطبقه با سقف‌های شیب‌دار و سفالی، باغچه‌های کوچک، خودروهای جمع‌وجور، دوچرخه‌سوارها و حتی یک زیارتگاه کوچک ژاپنی که در میان خانه‌ها قرار گرفته بود.



ماشین‌هایی کوچک در خیابان‌هایی باریک

یکی از چیزهایی که در این مسیر توجه ما را جلب کرد، اندازه خودروها بود. خودروهای کوچک و جمع‌وجوری را در خیابان و پارکینگ خانه‌ها می‌دیدیم؛ خودروهایی که با ابعاد خیابان‌ها و فضا‌های پارک این محله تناسب داشتند. در یکی از خانه‌ها دو خودروی کوچک در فضای پارکینگ کنار هم قرار گرفته بودند و اطراف آن‌ها

را درختچه‌ها و فضای سبز گرفته بود. در این منطقه کمتر با خودروهای بزرگ و پارکینگ‌های وسیع مواجه می‌شدیم. برای ما که نام «تویوتا» بیشتر با کارخانه و صنعت خودرو گره خورده، دیدن خودروها در چنین مقیاس و فضایی جالب بود؛ خودروهایی که اینجا نه در یک نمایشگاه یا کارخانه، بلکه بخشی از زندگی عادی مردم بودند.



خیابان‌هایی بدون چراغ راهنمایی

در بخشی از مسیری که پیاده‌طی کردیم، خبری از چراغ‌های راهنمایی و راهنمایی نبود. البته این به معنای نبود نظم یا قانون در خیابان‌ها نبود. برعکس، مسیر با خط‌کشی‌ها، تابلوها، آینه‌های محدب و حفاظ‌های مخصوص ساماندهی شده بود. در کنار خیابان هم حفاظ‌های سفید رنگی قرار داشت که مسیر پیاده‌رو را از خودروها جدا می‌کرد. تردد خودروها هم کم بود و رانندگان با سرعت کنترل شده حرکت می‌کردند. در چنین خیابان‌هایی، دوچرخه هم بخشی از زندگی روزمره به نظر می‌رسید. دوچرخه‌سوارها در مسیرهای خودشان رفت‌وآمد می‌کردند و کنار عابران و خودروها، بخشی از تصویر معمول محله بودند. این نظم بیش از آن که با تابلوهای بزرگ و چراغ‌های متعدد خودش را نشان دهد، در جزئیات دیده می‌شد؛ در نحوه پارک خودروها، رعایت مسیرها و استفاده آرام و حساب‌شده از خیابان.



یک معبد کوچک در میان خانه‌ها

در میانه مسیر، ناگهان با تصویری کاملاً متفاوت روبه‌رو شدیم؛ یک زیارتگاه کوچک ژاپنی در کنار خیابان. چند دروازه قرمز «توری» پشت سرهم قرار گرفته بود و در انتهای آن‌ها یک بنای کوچک مذهبی دیده می‌شد. پرچم‌ها و تزیینات قرمز اطراف زیارتگاه هم از دور جلب توجه می‌کرد. چیزی که این تصویر را برایمان جذاب‌تر می‌کرد، محل قرار گرفتن آن بود. این معبد در یک

روستا رتداعی می‌کرد. خانه‌ها هم برخلاف تصور رایج از شهرهای بزرگ، فاصله زیادی با خیابان نداشتند. پارکینگ‌های کوچک کنار خانه‌ها قرار گرفته بود و خودروها معمولاً در فضای محدود و مرتب مقابل خانه‌ها پارک شده بودند. در بعضی نقاط، فضای سبز خانه‌ها چنان در کنار هم قرار گرفته بودند که مرز میان محله مسکونی و طبیعت چندان پررنگ نبود.



تمیزی بدون سطل‌های زباله

از شهرها، سطل‌های زباله بخشی از تجهیزات معمول خیابان هستند. اینجا اما دست کم در مسیری که ما طی کردیم، چنین چیزی ندیدیم و با این حال خیابان‌ها مرتب و پاکیزه بودند. حتی در حاشیه خیابان و کنار خانه‌ها هم فضای عمومی مرتب به نظر می‌رسید.



آسمانی ابری و نسیمی ملایم



هوای آن روز هم تصویر خاص خودش را داشت. آسمان بیشتر ابری بود و رطوبت هوا را می‌شد احساس کرد. هوا کمی شرجی بود، اما نسیم ملایمی می‌وزید و باعث می‌شد پیاده‌روی چندان سخت نباشد. گاهی میان ابرها آسمان آبی دیده می‌شد و نور خورشید روی خانه‌ها، باغچه‌ها و خیابان می‌افتاد. درختان سبز و تپه‌های اطراف هم به فضای منطقه حال‌وهوایی آرام داده بودند. در طول مسیر باغچه‌هایی پر از گل دیدیم و در بعضی خانه‌ها نیز فضای سبز با دقت نگهداری شده بود. همین منظره‌ها باعث شد مسیر ۴۰ دقیقه‌ای برایمان بیشتر شبیه یک گشت و گذار کوتاه در محله باشد تا صرفاً راه رفتن برای رسیدن به ایستگاه.

از زمین سبز فوتبال تا قطار قرمز

آرام و خلوت تویوتا، حالا دوباره به شبکه حمل‌ونقل عمومی برگشته بودیم تا مسیرمان را ادامه دهیم. برای ما این روز با پوشش تمرین تیم ملی امید شروع شده بود؛ با یک استقبال گرم از سوی میزبانان ژاپنی، تمرین بازیکنان و کار خبری در کمپ.



تویوتا فقط نام یک کارخانه نیست

سفر به تویوتا برای ما با فوتبال شروع شد، اما با شهر تمام شد. شهری که نامش در سراسر دنیا با خودرو شناخته می‌شود، در بخشی که ما دیدیم، چهره‌ای بسیار آرام‌تر داشت؛ خانه‌های سنتی، خیابان‌های باریک و خلوت، خودروهای کوچک، دوچرخه‌ها، باغچه‌های پر گل، تپه‌های سبز و یک زیارتگاه کوچک ژاپنی. شاید جذاب‌ترین بخش ماجرا همین تضاد باشد؛ این که پشت نامی که برای همه یادآور صنعت و خودرو است، محله‌هایی وجود دارد که زندگی در آن‌ها با سرعتی

سفر به تویوتا برای ما با فوتبال شروع شد، اما با شهر تمام شد. شهری که نامش در سراسر دنیا با خودرو شناخته می‌شود، در بخشی که ما دیدیم، چهره‌ای بسیار آرام‌تر داشت؛ خانه‌های سنتی، خیابان‌های باریک و خلوت، خودروهای کوچک، دوچرخه‌ها، باغچه‌های پر گل، تپه‌های سبز و یک زیارتگاه کوچک ژاپنی. شاید جذاب‌ترین بخش ماجرا همین تضاد باشد؛ این که پشت نامی که برای همه یادآور صنعت و خودرو است، محله‌هایی وجود دارد که زندگی در آن‌ها با سرعتی

استقبال گرم ژاپنی‌ها از تیم ایران

روز ما در کمپ تمرینی تیم ملی امید با یک استقبال گرم آغاز شد. گروهی از ژاپنی‌های برای ورود بازیکنان تیم ایران تدارک دیده بودند. روی تخته، پیام خوشامدگویی نوشته شده بود و یک بنر هم برای استقبال از بازیکنان تیم ملی امید آماده کرده بودند. این شاید در نگاه اول یک اتفاق ساده باشد، اما برای گروهی که از ایران به ژاپن آمده و در حال پوشش تمرین تیم ملی است، دیدن چنین استقبالی از سوی میزبانان محلی، حس خوبی ایجاد می‌کند. برخورد گرم آن‌ها و فضایی



پیشنهاد گوگل‌مپ؛ یک ساعت انتظار یا ۲ کیلومتر پیاده‌روی؟

دوم بود. همین تصمیم ساده، یک برنامه پیش‌بینی نشده برایمان ساخت؛ حدود دو کیلومتر پیاده‌روی در محله‌ای از تویوتا که اگر با اتوبوس از آن عبور می‌کردیم، احتمالاً بخش زیادی از جزئیاتش را نمی‌دیدیم. مسیر حدود ۴۰ دقیقه طول کشید، اما برای ما صرفاً یک راه رفتن از کمپ تا ایستگاه نبود. هر چند دقیقه یک بار منظره‌ای پیدای می‌شد که ارزش ایستادن، نگاه کردن و عکس گرفتن داشت.

بعد از تمرین، برای پیدا کردن مسیر برگشت، در همان کمپ سراغ گوگل‌مپ رفتیم. مسیر را روی نقشه بررسی کردیم تا ببینیم چطور می‌توانیم خودمان را به ایستگاه قطار برای بازگشت به ناگويا برسانیم. اتوبوس بعدی قرار بود حدود یک ساعت دیگر برسد. گوگل‌مپ عملاً دو انتخاب پیش روی ما گذاشته بود؛ می‌توانستیم حدود یک ساعت منتظر بمانیم تا اتوبوس برسد یا مسیر حدود دو کیلومتری تا ایستگاه را پیاده طی کنیم. انتخاب ما گزینه

تویوتا؛ شهری آرام و زیبا

اگر کسی فقط نام تویوتا را شنیده باشد، ممکن است تصور کند تمام شهر را ساختمان‌های صنعتی، کارخانه‌ها و خودروها تشکیل داده‌اند. اما محله‌ای که مادر آن قدم زدیم، تصویری دیگری داشت. کنار خانه‌ها باغچه‌های کوچک و مرتب دیده می‌شد و در فاصله‌ای نه چندان دور، تپه‌های پوشیده از درخت قرار داشت. گاهی منظره آن قدر آرام بود که بیشتر از یک شهر صنعتی، حال و هوای یک شهر کوچک یا

